

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

کلیدهای

گفتن و شنیدن

با کودکان و نوجوانان

آدل فابر و الین مازلیش

شابک: 978-964-0181-23-2
ISBN: 978-964-0181-23-2

مترجم: زهرا جعفری

فهرست مطالب

۴	○ مقدمه
۷	○ روش مطالعه و کاربرد کتاب
۹	۱. چگونه به کودکان کمک کنیم تا با احساسات خود کنار بیایند؟
۶۲	۲. جلب همکاری
۱۰۹	۳. جایگزین‌های تنبیه
۱۶۲	۴. تشویق به استقلال
۲۰۳	۵. تحسین و تمجید
۲۳۵	۶. آزاد کردن کودکان از نقش بازی کردن
۲۶۵	۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقدمه

خواننده عزیز!

آنچه هرگز حتی به ذهن ما خطور نکرده بود، نوشتن کتابی درباره «چگونگی» مهارت‌های برقراری ارتباط برای والدین بود. روابط بین والدین و کودک، امری کاملاً شخصی و خصوصی است و دادن دستورالعمل‌هایی به افراد درباره چگونگی صحبت کردن در چنان رابطه نزدیکی، به نظر ما صحیح نمی‌آید. در اولین کتابمان «والدین آزادشده، کودکان آزادشده» سعی کرده بودیم آموزش ندهیم و نصیحت نکنیم، در واقع داستانی را که به نظرمان جالب آمده بود، شرح دادیم. سال‌ها کار، و شرکت در کارگاه‌ها و جلسات روان‌شناسی کودک، همراه با زنده‌یاد دکتر «حیم جینوت» عمیقاً بر زندگی ما تأثیر گذاشته بود. ما حتم داشتیم خوانندگان با توجه و نگاه کردن دقیق به چگونگی تأثیر این مهارت‌ها بر رفتار ما با کودکانمان و نیز رفتارهای خصوصی با دیگران، متوجه جان کلام پنهان در این مهارت‌ها شده و شخصاً راه‌حلی مناسب برای مشکلات خود پیدا خواهند کرد.

این تصور ما تا حدودی به حقیقت پیوست. بسیاری از والدین در نامه‌هایی که برایمان می‌فرستادند، از دستاوردهای مطالعه تجربیات ما، نوشته بودند. البته نامه‌هایی از نوع دیگر نیز دریافت می‌کردیم که دارای نقاط مشترکی بودند. تمامی نویسندگان این نوع نامه‌ها، از ما خواسته‌اند کتابی حاوی «درس‌ها»، «تمرین‌های عملی»، «تجربیات روزمره»، «نکته‌های مهم» و به طور کلی مواردی که مهارت‌ها را گام به گام به آنها آموزش بدهند، ارائه دهیم.

این خواسته‌ها تا مدتی، فکر و ذهن ما را جداً به خود مشغول کرده بود. عاقبت مقاومت اولیه در برابر این کار فروشکست و ایده عدم ورود به این حیطه را به کناری

گذاشتیم. چون علاوه بر مقاومت ذهنی در برابر نوشتن یک دستورالعمل، به شدت مشغول تهیه و تدارک سخنرانی‌ها و کارگاه‌های عملی بودیم که می‌بایستی در برنامه سفری دوره‌ای ارائه می‌شدند.

طی چند سال بعد، سرگرم سفر به گوشه و کنار کشور (امریکا) و سرپرستی و برگزاری کارگاه‌هایی برای والدین، آموزگاران، مدیران مدارس، کارکنان بیمارستان‌ها، نوجوانان، مربیان و کارکنان مهد کودک‌ها بودیم. در این سفرها به هر مکانی که قدم می‌گذاشتیم، افراد مختلف تجربه‌های شخصی خود، استفاده از روش‌های جدید برقراری ارتباط، شک و تردیدها، سرخوردگی‌ها، ناکامی‌ها و یا شور و شوق‌های خود را با ما در میان می‌گذاشتند. ما به خاطر این صداقت و صراحت آنان، سپاسگزار بودیم و چیزهای زیادی از آنها می‌آموختیم. پرونده‌های ما پر از مواردی جدید و هیجان‌انگیز شده بود. در تمام این مدت، نامه‌های مختلف همچنان به دست ما می‌رسیدند؛ نه تنها از ایالات متحده بلکه از فرانسه، کانادا، زلاندنو، فیلیپین و هند.

خانم آناگانپول از دهلی نو برایمان نوشته بود: «مسائل زیادی وجود دارد که میل دارم نظر شما را درباره آنها بدانم... لطفاً به من بگویید چگونه می‌توانم موضوع را عمیقاً مطالعه کنم؟ من به پایان راه رسیده‌ام. روش‌های قدیمی پاسخگو نیستند و من در روش‌های جدید مهارتی ندارم. لطفاً در غلبه بر این مشکل به من کمک کنید.» این نامه جرقه شروع کار بود.

ما به فکر نوشتن کتابی درباره «چگونگی» مهارت برقراری ارتباط افتادیم. هر چه بیشتر درباره این موضوع بحث و گفت‌وگو می‌شد، با این موضوع مأنوس‌تر می‌شدیم. چرا کتابی ننویسیم که دارای تمرین‌هایی درباره «چگونگی» باشد و در دسترس والدین قرار گیرد تا بتوانند مهارت‌های مورد نظرشان را شخصاً بیاموزند؟

چرا کتابی وجود نداشته باشد که به والدین امکان دهد، آنچه را که با روش فردی خود - به صورت شخصی و یا همراه با یک دوست - آموخته‌اند، تمرین کنند؟

چرا کتابی که دارای صدها نمونه و گفت‌وگوی مفید باشد به طوری که والدین بتوانند با روش خود از آن استفاده کنند، در دسترس نباشد؟

بعد از تفکر و اندیشه بسیار، به این نتیجه رسیدیم که این کتاب باید دارای